

The rights of relatives in different sources (international organizations, constitutions of countries and religious sources)

Abstract

international sources? At least from the three sources of international organizations, the point of view of the internal sources of the constitutions of countries and religious sources should pay attention to the rights of ethnic groups. The findings show that the international organizations' view of the rights of ethnic groups, emphasizing the observance of human rights and guaranteeing freedom and justice for all people in the form of resolutions and holding various conferences and conventions, the protection and promotion of the rights of ethnic groups should become a global issue. From the point of view of internal sources and the constitution of countries, the rights of ethnic groups have been discussed in some sources, especially in regimes where people have a special place. Therefore, some countries have provisions in their constitutions about the rights of ethnic groups to guarantee the rights of ethnic groups, solidarity and internal integration. In the perspective of religious sources, the rights of ethnic groups are also emphasized, and justice and equality among the members of the society are mentioned as one of the missions of the prophets and divine laws. The research has been compiled using explanatory method and library documents.

Key words: ethnic rights, United Nations, constitution, religion, Islam

حقوق اقوام در منابع مختلف

(سازمان‌های بین‌المللی، قانون اساسی کشورها و منابع دینی)

سهام طرفی حردانی^۱ - حمید صالحی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

چکیده

حقوق اقوام یکی از مهم‌ترین حقوقی است که در منابع مختلف به آن توجه شده است. در این مقاله تلاش خواهد شد تا به مقایسه حقوق اقوام در منابع مختلف پرداخته شود. بنابراین سوال اصلی این است که چگونه به حقوق اقوام در منابع مختلف پرداخته شده است؟ دست کم از سه منبع سازمان‌های بین‌المللی، دیدگاه منابع داخلی قانون‌های اساسی کشورها و منابع دینی به حقوق اقوام توجه شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگاه سازمان‌های بین‌المللی به حقوق اقوام با تأکید بر رعایت حقوق انسانی و تضمین آزادی و عدالت برای همه افراد به صورت قطعنامه‌ها و تشکیل کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های مختلف، حفاظت و ترویج حقوق اقوام به یک مسئله جهانی تبدیل شود. در دیدگاه منابع داخلی و قانون اساسی کشورها نیز به حقوق اقوام در برخی منابع پرداخته شده است به ویژه در رژیم‌هایی که مردم جایگاه ویژه‌ای دارند. بنابراین برخی کشورها در قانون اساسی خود مفادی را درباره حقوق اقوام برای تضمین حقوق اقوام، همبستگی و یکپارچگی داخلی دارند. در دیدگاه منابع دینی نیز به حقوق اقوام نیز تأکید شده است و عدالت و برابری بین اعضای جامعه به عنوان یکی از رسالت‌های انبیا و قوانین الهی مطرح شده است. پژوهش به روش تبیینی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: حقوق اقوام، سازمان ملل، قانون اساسی، دین، اسلام

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک، گرایش بازرگانی. سازمان صنایع خوزستان. اهواز ایران (نویسنده مسئول).

کشورهای که در آنها، گروه‌های قومی و اقلیت مختلف باهم زندگی می‌کنند در طول تاریخ ممکن است دارای تجربیات مختلفی از نقض حقوق اقوام و اقلیت‌ها باشند و آنچه امروز به عنوان حقوق اقوام و اقلیت‌ها شناخته می‌شود محصول تجربیات تاریخی بشر در طول قرن‌ها باشد. برخی از این تجربیات منجر به صادر شدن قوانین و مقرراتی شده است که در راستای حمایت از اقلیت و اقوام انجام شده است هرچند ممکن است قوانینی نیز وضع شده باشند که ناقض این حقوق باشند. با این حال یکی از منابعی که حقوق اقوام به رسمیت شناخته شده قوانین داخلی کشورها است. با این حال تحقیقات نشان می‌دهد که حقوق اقلیت‌ها و اقوام در متون دینی و الهی نیز یافت می‌شود بنابراین این حقوق تنها از طریق تجربیات بشری کسب نشده اند بلکه از متون دیگر نیز قابل اکتساب هستند. از سوی دیگر برخی حوادث تاریخی مثل وقوع جنگها یا تشکیل نهادهای بین‌المللی نیز به نوعی بر حقوق اقلیت تاکید داشته اند که در مجموع می‌توان گفت که منابع متعدد به نحوی با حقوق اقلیت‌ها و مسائل مربوط به آن‌ها مرتبط شده اند.

اگرچه تجربیات تلخ تاریخی نشان می‌دهد که حقوق اقوام یا اقلیت‌ها به دلایل گوناگونی نقض شده است که می‌تواند جنبه سیاسی، اجتماعی، روانی یا اقتصادی داشته باشد ولی در این مقاله تلاش خواهد شد تا تلاش‌هایی که در به رسمیت شناخته شدن حقوق اقوام و اقلیت‌ها انجام شده است را مورد بررسی قرار دهد؛ بنابراین سوال اصلی این است که چگونه به حقوق اقوام در منابع مختلف پرداخته شده است؟ برای بررسی موضوع سه منبع سازمان‌های بین‌المللی، دیدگاه داخلی قانون‌های اساسی کشورها و منابع دینی به حقوق اقوام در این مقاله مورد بررسی قرار بگیرد. تلاش شده است تا ابتدا با بررسی مفهوم قومیت و سپس بررسی منابع مختلف در خصوص حقوق اقوام و اقلیت‌ها پرداخته شود. مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است و به روش تبیینی داده‌ها ارائه شده است. باید گفت در ضرورت انجام این پژوهش همین بس که امروز بسیاری از کشورهای جهان به دلایل تاریخی یا مسائلی چون جهانی شدن و مهاجرت دارای تنوع اقوام و قومیت‌ها هستند بنابراین توجه به اقوام از منظر حقوق، یک مسئله بسیار مهم و حیاتی جهان همواره بوده است. توجه به این حقوق در سطح جهانی و ملی تأثیرات عمده‌ای بر مناسبات، سیاست‌ها و روندهای جاری در کشورها و عرصه فراملی دارد. بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد نیز در این حوزه فعال شده‌اند و به نحوی باید گفت حقوق اقوام و اقلیت مرتبط با حقوق بشر است. این حقوق تلاش خواهند داشت تا با ایجاد ساختار قانونی و اخلاقی، کمک کنند تا در کشورها و عرصه بین‌المللی

حقوق و آزادی‌های همه افراد بدون تبعیض به همگان تضمین گردد... با این حال، در جامعه‌های مختلف، نژادپرستی، تبعیض نژادی، قوم‌پرستی و دشمن‌سازی نسبت به اقوام خاص، همچنان چالش‌های جدید را برای حقوق بشر ایجاد می‌کند.

چارچوب مفهومی: مفهوم قومیت و حقوق آن

کلمه قوم (Ethnie در فرانسه و Ethnic در انگلیسی) در همه زبان‌ها وجود دارد. کلمه Ethnie در فرانسه به معنای نژاد، قومیت و گروه قومی است. به‌طور کلی این کلمه به گروه‌هایی اشاره دارد که با توجه به اصول، رفتارها، زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک، با یکدیگر متحد هستند. در فرانسه، این کلمه نه تنها به اشاره به افراد یا اقوام خاص، بلکه به تعدادی گروه سراسری نیز اشاره دارد. در زبان انگلیسی واژه Ethnic عمدتاً به اقلیت‌های غیر آنگلوساکسون در امریکا اطلاق می‌شد مثلاً به یهودیان، ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌های آمریکایی. در یونان باستان واژه Ethnos به قبایل کوچنده ای اطلاق می‌شد که هنوز در شهرها یا پولیس‌ها مستقر نشده بودند؛ بنابراین در این مفهوم می‌توان چندین تقابل را مشاهده کرد. برای مثال: تقابل میان نوع زیست شهری و نوع زیست غیرشهری، تقابل میان سیاست و عدم سیاست، تقابل میان خداباوری شهروندان و بی‌دین بودن قوم‌ها و تقابل تاریخ در برابر عدم تاریخ.

این کلمه در ترکیب‌هایی به‌صورت Ethnology یا مردم‌شناسی که قبلاً در فارسی به قوم‌شناسی ترجمه می‌شد و Ethnography که مردم‌نگاری و قبلاً قوم‌نگاری ترجمه شده است نیز در آثار ایرانی‌ها نیز بکار رفته است. هرچند در دو مورد اخیر در فارسی امروز واژه مردم به‌جای پیشوند Ethno جاافتاده است اما در سایر موارد اغلب از همان واژه قوم نیز استفاده می‌شود. در قرن هفتم واژه Ethnie در متون گروهی از نویسندگان معنایی نژاد گرایانه در خود داشت. آرتور دو گوینو در رساله درباره نابرابری نژادهای انسانی و واشه دوآپوژ در انتخاب‌های اجتماعی هر دو مفهوم Ethnie را در معنای نژادهای پست‌تر از اروپاییان به کار می‌برد. این طرز تلقی از اقوام غیراروپایی طبعاً نتیجه عملی خود را در فرایند گسترده نظام‌های ساسی فاشیستی در اروپا نیز نشان داد که اندیشه‌ها و آرمان‌های نژاد گرایانه تبدیل به برنامه‌های اجتماعی-سیاسی می‌شود و نتیجه آن‌ها همان‌گونه که می‌دانیم جنگ جهانی دوم و کشتارهای گسترده آن و سرانجام ویرانی و نابودی کامل رژیم‌های فاشیستی بود (پور حبیب و دریایی، ۱۳۹۴:۳).

به‌هر حال مفاهیم قوم و قومیت در دهه شصت قرن بیستم ظاهر شد، یعنی پس از تشکیل موج سوم دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره سابق که پس از جنگ جهانی دوم و کاهش قدرت نظامی اروپای غربی به استقلال رسیده و دولت‌های مستقل خود را تشکیل داده بودند (مرادی، ۱۴۰۰: ۹۰).

دیوید رازمن^۱ در سال ۱۹۵۳ نیز از اصطلاح اقوام استفاده کرد و دیری نپایید که طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به‌طور گسترده از آن واژه استفاده شد. اگرچه این اصطلاح برای اشاره به اشکال خاصی از تمایزات فرهنگی وضع شد ولی بعدها معانی گسترده‌تری پیدا کرد. در حالی که سنت انگلیسی - آمریکایی قومیت را بیشتر به‌عنوان جایگزینی برای اشاره به گروه‌های اقلیت درون جامعه گسترده‌تر دولت - ملت به کار می‌گرفت، سنت اروپایی معمولاً تمایل داشته از قومیت به‌عنوان مترادف ملیت استفاده کند که به لحاظ تاریخی با میراث گذشته یا قلمرو جغرافیایی مشخص می‌شود. به‌هر حال، هر دو سنت هدف مشترکشان جایگزینی قومیت با نژاد بوده که کاربرد همگانی یافته است (ملشوایچ، ۱۳۹۲: ۱۳).

به دلیل پوشش گسترده اقوام در سراسر جهان و همچنین عدم وجود دقیق و کاملی از تعداد و پراکندگی آن‌ها، داده‌های دقیقی در این زمینه وجود ندارد. با این حال، تخمین زده می‌شود که در سراسر جهان بیش از ۵۰۰۰ نوع از اقوام وجود دارد. به علاوه، پراکندگی اقوام در سراسر جهان متفاوت است و برخی از کشورها پر از تنوع فرهنگی و اقوام هستند، در حالی که در برخی دیگر این تنوع کمتر است. به‌طور کلی، می‌توان گفت که اکثر کشورها دارای حداقل یک اقوام هستند و تنوع فرهنگی و اقوامی در سطح جهان بسیار گسترده است.

آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که درون یک جامعه اقوام و اقلیت را بجای هم بکار می‌برند. باید به مفهوم اقلیت به‌صورت چندوجهی نگریم و با بررسی و ترکیب چند عامل اصلی دخیل در شکل‌گیری اقلیت دریابیم که الگو و معیاری را برای تشخیص در اقلیت بودن یک گروه انسانی و اندازه‌گیری تعیین میزان و شدت در اقلیت بودن آن‌ها ارائه دهیم.

¹ David Riesman

باید در نظر داشت تعریف واژه قومیت به طور دقیق دشوار است هم سبب این دلیل که واژه نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است و هم معیارهای تعریف متفاوت است. در تعریف قومیت می توان شش وابستگی خونی، نژادی، زبانی، سرزمینی، مذهب و رسوم را لحاظ کرد:

- **وابستگی خونی:** به معنای ارتباط خویشاوندی بین افرادی است که به یک گروه قومی تعلق دارند. این وابستگی بر اساس نسبت خونی و ارثی بین افراد ایجاد می شود. پس بسیاری از اقوام بر اساس وابستگی خونی و نسبی به یکدیگر شناسایی می شوند. به عنوان مثال، افرادی که از یک خانواده یا قبیله خاص هستند، ممکن است به عنوان یک اقوام شناخته شوند.

- **وابستگی نژادی:** به معنای ارتباط بین افرادی است که نژاد یکسانی دارند. این وابستگی بر اساس ویژگی های فیزیکی و ژنتیکی مشترک بین افراد ایجاد می شود.

- **وابستگی زبانی:** به معنای ارتباط بین افرادی است که به یک زبان مشترک صحبت می کنند. این وابستگی بر اساس زبان مشترک میان افراد ایجاد می شود. زبان یکی از مهم ترین عوامل شناسایی اقوام است. افرادی که به یک زبان مشترک سخن می گویند، ممکن است به عنوان یک اقوام شناخته شوند. به عنوان مثال، اقوامی مانند کرد، فارس، عرب و ترک، بر اساس زبان خود شناخته می شوند.

- **وابستگی سرزمینی:** به معنای ارتباط بین افرادی است که در یک منطقه جغرافیایی مشترک زندگی می کنند. این وابستگی بر اساس مکان جغرافیایی افراد ایجاد می شود. مکان و زمین شناسی نیز یک عامل مهم در شناسایی اقوام است. برخی از اقوام بر اساس محل سکونت و منطقه جغرافیایی خود شناخته می شوند. به عنوان مثال، اقوامی مانند آشوریان، کرد، ترکمن و لر، بر اساس منطقه جغرافیایی خود شناخته می شوند.

- **وابستگی مذهبی:** به معنای ارتباط بین افرادی است که به یک مذهب مشترک تعلق دارند. این وابستگی بر اساس باورهای مذهبی افراد ایجاد می شود. مذهب نیز یکی از عوامل شناسایی اقوام است. برخی از اقوام بر اساس مذهب خود شناخته می شوند، به عنوان مثال مسلمانان، یهودیان و مسیحیان.

- **وابستگی رسوم:** به معنای ارتباط بین افرادی است که به یک دسته از رسوم و سنت‌های مشترک پایبندی دارند. این وابستگی بر اساس رسوم و سنت‌های مشترک افراد ایجاد می‌شود. رسوم و آیین‌های فرهنگی نیز می‌توانند در شناسایی اقوام موثر باشند. برخی از اقوام بر اساس رسوم و آیین‌های فرهنگی خود شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، اقوامی مانند لاک، بلوچ، کرد و بختیاریان، بر اساس رسوم و آیین‌های فرهنگی خود شناخته می‌شوند (طرفی حردانی و صالحی، ۱۴۰۱: ۲۶-۲۵).

از مباحث فوق می‌توان چنین بیان داشت که به‌طور کلی، وابستگی‌های مختلف در تعریف قومیت نقش مهمی ایفا می‌کنند و به‌عنوان عوامل شناسایی و اتحاد درونی یک گروه قومی عمل می‌کنند.

دیدگاه‌های نظری نسبت به اقلیت دیدگاه‌های حقوقی به اقوام

۱- دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی به حقوق اقوام

پس از جنگ جهانی اول در میثاق‌های عمومی و خصوصی برای حمایت بین‌المللی حقوق اقوام اصول و قواعدی نوین تصویب و تعیین گردید و بسیاری از دولت‌ها متعهد گردیدند تا نسبت به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی ساکن قلمروی حاکمیت خود رفتاری مساوی با سایر اتباع خود داشته باشند.

با تشکیل جامعه‌ی ملل، مسئله‌ی اقلیت‌ها در سطح جامعه‌ی بین‌المللی مطرح شد. علیرغم عدم اشاره به حقوق این گروه‌های مردمی در میثاق جامعه‌ی ملل، هیچ‌گاه مسئله‌ی قومیت‌ها به فراموشی سپرده نشد و در بعضی از پیمان‌های صلح مانند معاهده صلح سن ژرمن که در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۹ میان پیمان صلح میان متفقین و اتریش یا معاهده نویی^۱ که در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۱۹ متفقین با بلغارستان، پس از پایان جنگ جهانی اول، منعقد گردید، اشاراتی به قومیت‌ها و وضعیت آنان شد؛ اما به لحاظ آنکه این معاهدات، به‌طور کلی، نه خواسته‌ی قومیت‌ها و اقلیت‌ها و نه رضایت دولت‌ها را جلب می‌نمود چندان دوامی نیافتند.

پس از تشکیل سازمان ملل متحد و اگرچه در منشور ملل متحد^۲ و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۳ از واژه‌های اقلیت و قومیت ذکری به میان نیامده است. در واقع، در منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اصطلاحات اقلیت و قومیت به‌صراحت ذکر نشده‌اند. در متن این سندها، به‌جای این اصطلاحات، از عبارت‌هایی مانند همه انسان‌ها، تمام اعضای جامعه

¹ Nouei

² The Charter of the United Nations.

³ The Universal Declaration of Human Rights.

و همه افراد بدون تبعیض استفاده شده است؛ اما با وجود عدم ذکر صریح این اصطلاحات، در سال ۱۹۴۸، کمیته‌ی ترجمه‌ی اصطلاحات حقوق بشر، اصطلاح اقلیت را به عنوان هر گروه از افراد که بر اساس ویژگی‌های مشترک خود، از جمعیت عمومی به طور جداگانه تشکیل شده‌اند تعریف کرد. این تعریف به مرور زمان توسط سازمان‌های مختلف حقوقی و سیاسی، شناخته شد و به عنوان یک اصطلاح حقوقی در قوانین و مقررات بین‌المللی به کار گرفته شد.

با این حال در اجرای بند سوم و چهارم ماده‌ی ۱ و مواد ۵۵ و ۶۵ منشور سازمان ملل متحد که رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای تمامی افراد بدون تبعیض نسبت به نژاد، جنس، زبان یا دین را اعلام نموده، متون و اسنادی به تصویب رسید که از مهم‌ترین آن‌ها اعلامیه‌ی حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی ملی، مذهبی و زبانی مصوب ۱۹۹۲ است که در مقررات آن موازین قابل قبول و مناسبی برای اقشار گوناگون، اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی وضع گردید.

در مورد اصطلاح قومیت نیز باید گفت که در برخی سند‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون حقوق کودک، از این اصطلاح به صورت صریح استفاده شده است. همچنین، در از آنجا که اصطلاحات اقلیت و قومیت در سند‌های اصلی حقوق بشر ذکر نشده‌اند، این مفهوم‌ها در سایر سند‌ها و تعاریف، تعریف شده و از آن‌ها به عنوان اصطلاحات حقوقی استفاده می‌شود. از جمله در اعلامیه‌ی وین^۲ که مشتمل بر موارد مناسبی برای اقلیت‌ها و قومیت‌ها و به‌ویژه اقوام بومی و مردمان محلی است و در سال ۱۹۹۳ میلادی به تصویب رسید و در این راستا مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۳ سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ میلادی را «دهه‌ی بین‌المللی اقوام بومی جهان» نامید و در ۲۰ دسامبر سال ۲۰۰۴ میلادی نیز این دهه را تمدید و سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ را «دومین دهه‌ی اقوام بومی جهان» اعلام کرد. سال ۲۰۰۵، سازمان ملل متحد، برای شناسایی و حفظ حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها، یک روز جهانی برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها تعیین کرد؛ بنابراین، هدف دهه-ی اول تحکیم مشارکت بین‌المللی برای حل مسائل اقوام بومی جهان نظیر مواردی همچون حقوق بشر، محیط‌زیست، توسعه و تحصیل و سلامتی بود. در دومین دهه نیز هدف، پیشبرد و تقویت مشارکت بین‌المللی برای حل مسائل مذکور و همچنین فرهنگ و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، از طریق حرکت جهت‌دار برنامه‌ها و افزایش همکاری فنی، تنظیم استاندارد و پروژه-های ویژه بوده است.

مضاف بر این می‌توان به اسناد بین‌المللی متعددی که بر این اصل صحه گذاشته‌اند استناد نمود: ماده ۶ کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار در خصوص مردمان بومی و قبیله‌ای مصوب، اشاره به اصل رضایت آگاهانه و آزادانه‌ی پیشین^۳ در زمین‌ها جابه‌جایی ۱۹۸۹ میلادی از مردمان بومی از سرزمین خود دارد. کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی سازمان ملل متحد می‌خواهد که

¹ The Declaration on the Rights of Persons Belonging to National, Ethnic, Religious and Linguistic

² The Vienna Declaration

³ Free and Prior Informed Consent (FPIC).

مشارکت مؤثر مردمان دولت‌های تحت پوشش کنوانسیون رفع تبعیض نژادی بومی^۱ را در عرصه‌ی زندگی عمومی تضمین کنند؛ در این راستا هیچ‌گونه تصمیمی که مستقیماً به حقوق و منافع آن‌ها مربوط می‌شود نباید بدون رضایت آگاهانه‌ی آن‌ها اتخاذ گردد.

کنفرانس ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه^۲ در سال ۱۹۹۲ میلادی، مردمان بومی را به‌عنوان بخش اصلی اجرای دستور کار ۳۲۱ قرار داده است. اعلامیه ریو در ماده ۲۲ صریحاً بیان می‌دارد که مردمان بومی و سایر جوامع محلی از نقشی حیاتی در مدیریت محیط‌زیست و توسعه برخوردارند. همچنین کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد در گزارش کلمبیا در خصوص سرزمین‌های بومی، تأسف خود را نسبت به کاهش و اشغال سرزمین‌های بومی بدون رضایت مردمان بومی ابراز کرده است در اسناد بین‌المللی دیگری نیز به حقوق اقوام و مردمان بومی به کرات اشاره شده است. از مهم‌ترین این اسناد الزام‌آور، می‌توان به «کنوانسیون تنوع زیستی^۴»، «معاهده‌ی ذخایر ژنتیک برای غذا و کشاورزی^۵» و پروتکل ناگویا الحاقی به کنوانسیون تنوع زیستی در خصوص دسترسی و تسهیم عادلانه منافع ناشی از تنوع زیستی^۶ اشاره کرد. همچنین، اعلامیه‌ی ملل که بعد از بیش از ۲۲ سال مذاکره نهایتاً در سال ۱۸ متحد در خصوص حقوق مردمان بومی ۲۰۰۷ به تصویب رسید، صراحتاً حق رضایت آزادانه و آگاهانه‌ی پیشین و تعهد دولت‌ها بر اخذ آن را در بسیاری از مقررات خود مورد تأکید قرار می‌دهد. (شهرامیان، ۱۳۹۳: ۵-۲).

بدین ترتیب اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی که در سال ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل متحد تصویب شد و اعلامیه حقوق اقلیت‌ها که در سال ۲۰۰۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، هر دو به حقوق اقلیت‌ها و حقوق انسانی مربوط می‌شوند. اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی، به موضوعاتی مانند حقوق به تربیت در زبان مادری، حقوق به تمرین دین و فرهنگ، حقوق به شرکت در امور سیاسی و عمومی و حقوق به اشتغال در دولت و سازمان‌های دولتی توجه دارد. به عنوان مقابله با تبعیض و تمیز بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان و مذهب، این اعلامیه دستورالعمل‌هایی برای دولت‌ها برای حفاظت از حقوق اقلیت‌ها ارائه می‌دهد. به طور مشابه، اعلامیه حقوق اقلیت‌ها که در سال ۲۰۰۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، به حفاظت از حقوق اقلیت‌ها در سطح بین‌المللی توجه دارد. این اعلامیه حقوقی را به عنوان یک سند قانونی برای حمایت از حقوق

¹ International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination.

² UN Conference on Environment and Development.

³ Agenda 21

⁴ The Convention on Biodiversity (CBD)

⁵ International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture (PGR Treaty)

⁶ The Nagoya Protocol on Access to Genetic Resources and the Fair and Equitable Sharing of Benefits Arising from their Utilization to the Convention on Biological Diversity.

اقلیت‌ها و تبعیض بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب و منشأ ملی محکوم می‌کند. تفاوت اصلی بین این دو اعلامیه در محتوای آن‌ها است. اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی بیشتر تمرکز خود را بر روی حقوق فردی افراد و حقوق بشر تأکید می‌کند، در حالی که اعلامیه حقوق اقلیت‌ها بیشتر به حقوق کلی اقلیت‌ها توجه دارد.

طبق توضیحات بالا سازمان‌های بین‌المللی به حقوق اقوام به‌عنوان یکی از حقوق بشری توجه دارند و برای حفظ و حمایت از حقوق اقوام تلاش می‌کنند مثلاً ماده ۱۵۶ منشور سازمان ملل متحد، حقوق اقوام را به‌عنوان یکی از حقوق بشری تأیید می‌کند و به تأیید حقوق اقوام برای حفظ صلح و امنیت جهانی تأکید می‌کند. همچنین، ماده ۱۷۶ منشور سازمان ملل متحد به دولت‌ها تأکید می‌کند که برای حفظ حقوق اقوام، تلاش کنند تا اقوام زیر سلطه آن‌ها، زندگی آرام و مستقل داشته باشند. سازمان ملل متحد بیانیه‌های گوناگون برای رفع تبعیض اقلیت‌های مختلف می‌ز داده است. نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به‌طور آزاد و یکسان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز به‌خصوص از حیثیت نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند. نظر به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.

برخی از مهم‌ترین مصوبات سازمان ملل در خصوص اقوام

سال	مصوبه
۱۹۴۵	منشور ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ تصویب شد و در بخش هفتم آن به حقوق اقوام و حقوق بشر اشاره شده است
۱۹۴۹	کنوانسیون حفاظت از حقوق تمام جانبازان که در سال ۱۹۴۹ تصویب شد و به حفاظت از حقوق اقوام در زمان جنگ و تحت تأثیرات ناشی از آن می‌پردازد.
۱۹۶۰	مصوب کنفرانس عمومی سازمان تربیتی علمی فرهنگی ملل متحد در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ (اجرا از ۲۲ مه ۱۹۶۲) مطابق ماده ۱۴ کنفرانس عمومی سازمان تربیتی علمی فرهنگی ملل متحد آه از ۱۴ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس تشکیل شد، در یازدهمین اجلاس خود، این اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل عدم تبعیض تأیید می‌کند و اعلام می‌دارد آه هر فردی حق دارد از آموزش و پرورش

<p>برخوردار شود، با توجه به این تبعیض در آموزش و پرورش نقض حقوق تصریح شده در آن اعلامیه است،</p>	
<p>نظر به اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روش‌های تفکیک و تبعیضی را که به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ را جع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم ختم سریع و بی‌قید و شرط استعمار را پشتیبانی و رسماً اعلام نموده است.</p>	<p>۱۹۶۰</p>
<p>نظر به اینکه اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد (قطعنامه ۱۹۰۴ - دوره هیجدهم مجمع عمومی) را جع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیضات نژادی را در سراسر گیتی و همچنین لزوم برآورده شدن تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد پشتیبانی قرار داد.</p>	<p>۱۹۶۳</p>
<p>پیمان‌نامه بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در دسامبر ۱۹۶۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. در آن می‌خوانیم: نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از هدف‌های ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند.</p>	<p>۱۹۶۵</p>
<p>کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵) از جمله مهم‌ترین کنوانسیون‌ها در زمینه‌ی حمایت از اقلیت‌های نژادی است. حفظ فرهنگ و ویژگی‌های سنتی و تکلیف دولت‌ها در حفظ فرهنگ و سنن آن‌ها، نگارش کتب تاریخ اقلیت‌ها بر اساس واقعیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۳۱ کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای (۱۹۸۹) و تحریک اقلیت‌های بومی نسبت به کسب دانش در مورد تاریخ و فرهنگ خود (ماده ۱۵ کنوانسیون ۲۰۰۱ دوران) از حقوق این اقلیت‌هاست.</p>	<p>۱۹۶۵</p>

<p>۱۹۶۶ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۶۶ تصویب شد و به حفاظت از حقوق اقوام و حقوق بشر در سطح بین‌المللی می‌پردازد.</p>	<p>۱۹۶۶</p>
<p>۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه حذف تمامی اشکال تعصب و تبعیض بر مبنای دین یا عقیده را در سال ۱۹۸۱ به تصویب رساند. این اعلامیه یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در خصوص آزادی مذهب و عقیده است. طبق بند ۳ ماده ۳۳ و بند ۱ ماده ۶ و ۷ کنوانسیون ۱۹۸۹ اقلیت‌ها به‌عنوان افرادی که از لحاظ نژادی، زبانی و مذهبی از سایر افراد کشور متفاوت هستند، زمانی احساس آرامش خواهند کرد که در اداره‌ی منطقه‌ی محل زندگی‌شان مشارکت داشته باشند و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای بر اساس ویژگی‌های فرهنگی و زبانی آنان باشد. بومیان باید در قانون‌گذاری و انتخابات مقامات محلی خود مشارکت داشته باشند</p>	<p>۱۹۸۱</p>
<p>۱۹۹۲ اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ تصویب شده است بندهای ۳ و ۴ ماده ۴ اعلامیه مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارند: ۳- ملل متبوع در صورت امکان باید اقدامات لازم را در اینکه افراد متعلق به پیروها فرصت‌های مناسبی برای یادگیری زبان مادری و یا دریافت قوانین و مقررات به زبان مادری خود داشته باشند ایجاد نماید. ۴- ملل متبوع در صورت امکان تمهیدات لازم را در زمینه تحصیل به زبان مادری و تشویق در کسب معلومات تاریخی سنت‌ها زبان و فرهنگی که در درون مرزهای آن پیروان وجود دارد اعمال خواهند نمود.</p>	<p>۱۹۹۲</p>
<p>۱۹۹۲ اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ تصویب شده است.</p>	<p>۱۹۹۲</p>
<p>۱۹۹۳ سازمان ملل متحد سال جهانی اقوام بومی را تعیین کرد.</p>	<p>۱۹۹۳</p>
<p>۱۹۹۶ ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم</p>	<p>۱۹۹۶</p>

	نمایند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه‌ی اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این میثاق در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ ایجاد شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ برابر با ۳ فروردین ۱۳۵۵ لازم‌الاجرا شد.
۱۹۹۹	روز ۲ اسفند (۲۱ فوریه) از طرف یونسکو به‌عنوان روز جهانی زبان مادری نام‌گذاری شده است. بر اساس هشدار جدی زبان‌شناسان مبنی بر احتمال نابودی ۴۰ درصد زبان‌های اقلیت‌ها، سازمان ملل و یونسکو اقدام به تدوین طرحی برای حفظ زبان‌های موجود کرده‌اند که از موارد آن می‌توان به نام‌گذاری روز ۲۱ فوریه به نام روز جهانی زبان مادری اشاره کرد. نام‌گذاری این روز در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۹ به‌منظور کمک به تنوع زبانی و فرهنگی انجام شده است. حق آموزش زبان مادری در اسناد حقوق بشر، کنوانسیون‌های بین‌المللی، معاهدات بین‌المللی شناخته شده است
۲۰۰۷	اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی در مجمع عمومی این سازمان در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷ به تصویب رسید
۲۰۱۰	مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که دهه جهانی اقوام بومی را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ تعیین کند.
۲۰۱۴	سازمان ملل متحد توصیه کرد که دولت‌ها برای حفاظت از حقوق اقوام بومی در برابر تغییرات اقلیمی تلاش کنند.
۲۰۱۶	جمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که سال ۲۰۱۹ را به عنوان سال بین‌المللی زبان‌های بومی تعیین کند.
۲۰۱۹	سازمان ملل متحد توصیه کرد که دولت‌ها برای حفاظت از حقوق اقوام بومی در برابر پاندمی کووید-۱۹ تلاش کنند.

در کل، سازمان‌های بین‌المللی به حقوق اقوام توجه دارند و تلاش می‌کنند تا حقوق اقوام را حفظ و حمایت کنند مثلاً در سال ۱۹۸۶، سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای مبنی بر نقض حقوق اقوام در جمهوری افریقای جنوبی را صادر کرد. در سال ۱۹۹۳، سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در محکومیت اقدامات صهیونیست‌ها در بیت‌المقدس و مناطق اشغالی فلسطین صادر

کرد. در سال ۱۹۹۴، سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در محکومیت خشونت و نقض حقوق اقوام در بوسنی و هرزگوین صادر کرد. در سال ۲۰۰۰، سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در محکومیت وحشتناک‌ترین جنایات نژادپرستی در روآندا صادر کرد. هرچند در بخش اجرا ممکن است با تبعیض‌های متفاوتی به‌ویژه در زمانی که پای قدرت‌های بزرگ یا حامیان آن‌ها به میان باشد روبرو شویم. برخی موارد سازمان ملل متحد به دلیل تأثیرات سیاسی و اقتصادی، قطعنامه‌هایی در قبال نقض حقوق اقلیت‌ها صادر نمی‌کند مثلاً برای بیش از ۷۰ سال، سازمان ملل نتوانسته است در قضیه فلسطین و حقوق پناهندگان فلسطینی به صورت مؤثری عمل کند. در سال ۱۹۴۸، بعد از تأسیس اسرائیل، میلیون‌ها پناهنده فلسطینی از خانه‌هایشان به سمت فلسطین اشغالی و سایر نقاط منتقل شدند. سازمان ملل با رسماً تصویب قطعنامه ۱۹۴ در سال ۱۹۴۸، حمایت خود را از حقوق فلسطینی‌ها و بازگرداندن آن‌ها به خانه‌هایشان اعلام کرد، اما هیچ‌گونه اقدامات کافی برای اجرای این قطعنامه به بهترین شکل صورت نگرفته و وضعیت شهروندان فلسطینی همچنان در خطر است یا در ماه اوت ۲۰۱۷، شیعیان روهینگیا در میانمار با بیش از ۷۰۰ کشته و ده‌ها هزار نفر از خانه‌های خود بیرون شده‌اند. باین حال، هنوز سازمان ملل نتوانسته است که به صورت کافی رسانه‌های جهانی را به این موضوع جلب کند و در جلوگیری از نقض حقوق بشر متاثرین کمک کند.

۲- دیدگاه منابع داخلی به حقوق اقوام

بررسی قواعد مربوط به سازمان‌دهی قدرت دولت که اعم است از روابط بین قوای سه‌گانه با یکدیگر، قواعد حاکم بر تشکیلات دولتی - که شامل ایجاد، گستره عملکردی و نحوه اجرا می‌شود - و چگونگی نظارت بر آن‌ها و تضمین حقوق و آزادی‌های ملت که اعم است از تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی و بنیادین شناخته‌شده افراد و تنظیم روابط بین شهروندان با نهادهای قدرت حاکمه؛ بنابراین حقوق اساسی، سیاسی‌ترین رشته در عرصه مطالعات حقوقی است. بر این اساس می‌توان گفت که حقوق اساسی رابطه تنگاتنگی با سیاست دارد. باین وجود حقوق اساسی ماهیتاً حقوقی باقی می‌ماند. به بیان دیگر، حقوق اساسی را می‌توان مطالعه سیاست از چشم‌انداز حقوق دانست (گرچی از ندریانی و یزدان پناه اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۷۱) قانون اساسی با این وصف، سازنده ساختارهای حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است. با توجه به این امر می‌توان چنین بیان داشت که قانون اساسی همچون حقوق اساسی نشئت گرفته از ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است. از این رو، قابل استنباط است که قانون اساسی نمود ظاهری و کارکردی ارزش‌ها و باورهای هر جامعه در مواجهه با مفهوم و گستره عملکردی قدرت و تنظیم روابط بین نهادهای قدرت با شهروندان به‌منظور تضمین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی و بنیادین افراد است؛ بنابراین پیش‌فرض وجود دولت و شهروندان در این اینجا نیز محور عمودی است (پیشین). در این راستا شهروندی نیز رابطه‌ای است که بین فرد و حکومت وجود دارد و رابطه‌ای دوسویه است که دربرگیرنده طیف وسیعی از حقوق و تکالیف است. در یک حکومت مردم‌سالار، قانون اساسی،

به‌عنوان یک میثاق ملی و مهم‌ترین سند حقوقی، زمامداری را سامان می‌بخشد تا حکومت و مردم در روابط متقابل خود، مکلف به رعایت قانون شوند. امروزه حقوق سیاسی بخشی از حقوق انسانی و شهروندی در هر قانون اساسی محسوب می‌شود و یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان به شمار می‌رود (مولایی آیت، ۱: ۱۳۹۴). برخی از مفادی که در قانون اساسی کشورهای مختلف نیز درباره حقوق اقلیت آمده است چنین است:

در قانون اساسی فرانسه، مفادی در مورد حقوق اقلیت وجود دارد که عبارت‌اند از: ماده ۱: جمهوری فرانسه، از دیدگاه خود، یکپارچه و غیرقابل تجزیه است. او به احترام برابری همه شهروندان بدون توجه به جنسیت، نژاد، اعتقادات و یا هرگونه تبعیض دیگر، تأکید می‌کند. ماده ۲: زبان رسمی جمهوری فرانسه، زبان فرانسه است. ماده ۳: جمهوری فرانسه، یک کشور لایحه دار است. هیچ‌کس، هیچ‌کس، هیچ‌کس از جامعه نمی‌تواند از قوانین مشترک مستثنی شود. ماده ۴۱: هر شهروند، به‌عنوان یک فرد و به‌طور مستقل از نژاد، اعتقادات و یا خانواده، حقوق و وظایفی را دارد. هیچ‌گونه تبعیضی نمی‌تواند به دلیل نژاد، جنسیت، اعتقادات و یا هرگونه تبعیض دیگر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم اعمال شود. ماده ۷۲: حقوق شهروندان به‌طور مساوی برای همه تضمین می‌شود. هیچ‌گونه تبعیضی به دلیل نژاد، جنسیت، اعتقادات و یا هرگونه تبعیض دیگر، قابل قبول نیست. ماده ۷۵: هیچ‌گونه تبعیضی به دلیل نژاد، جنسیت، اعتقادات و یا هرگونه تبعیض دیگر، در استخدام و خدمات دولتی قابل قبول نیست.

در قانون اساسی آمریکا، حقوق اقلیت به شکل مستقیم در چندین ماده ذکر شده است. این حقوق شامل حقوق قومی، نژادی، مذهبی و غیره می‌شوند. یکی از موارد حقوق اقلیت در قانون اساسی آمریکا، ماده ۱۴ قانون اساسی است که در آن آمده است: «هیچ‌یک از افرادی که در مرزهای ایالات متحده به دنیا آمده‌اند و یا شهروندی ایالات متحده را به دست آورده‌اند، می‌توانند از حقوق و مزایای موجود در این قانون به دلیل نژاد، رنگ پوست، یا مذهب محروم شوند.» همچنین، ماده ۱۵ قانون اساسی آمریکا نیز آمده است: «حق رأی دادن هیچ‌یک از افراد به دلیل نژاد، رنگ پوست، یا محل تولد او تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.»

در قانون اساسی آلمان، حقوق اقلیت به شکل مستقیم در چندین ماده ذکر شده است. این حقوق شامل حقوق قومی، نژادی، مذهبی و غیره می‌شوند. یکی از مهم‌ترین موارد حقوق اقلیت در قانون اساسی آلمان، ماده ۳۰ قانون اساسی است که در آن آمده است: «هیچ‌یک از افرادی که در مرزهای آلمان به دنیا آمده‌اند و یا شهروندی آلمان را به دست آورده‌اند، می‌توانند از حقوق و مزایای موجود در این قانون به دلیل نژاد، رنگ پوست، یا مذهب محروم شوند.» همچنین، ماده ۲۰۵ قانون اساسی

آلمان نیز آمده است که: «هیچ‌یک از افرادی که در مرزهای آلمان به دنیا آمده‌اند و یا شهروندی آلمان را به دست آورده‌اند، می‌توانند به دلیل نژاد، رنگ پوست، یا مذهب مورد تبعیض قرار گیرند.»

علی‌رغم تمام این موارد باید گفت عملاً کشورهایی که در قانون اساسی خود به حقوق اقلیت اشاره کرده‌اند در عمل چه در سیاست داخلی و چه خارجی ناقض حقوق اقلیت هستند مثلاً در سال ۱۹۷۰، دولت فرانسه به تحریم زبان برخی از اقلیت‌های محلی مانند زبان برتون و آلمانی در آلزاس دست زد. نژادپرستی نهادینه پلیس فرانسه زیر چتر حمایت گسترده دولت این کشور در سال ۲۰۲۲ نیز به شکلی قابل توجه شهروندان فرانسوی با تمرکز بر شهروندان اقلیت‌های قومی و نژادی و مهاجران و پناهجویان را با چالش‌های خطرناک و تهدیدکننده زندگی مواجه کرد. خشونت پلیس فرانسه به‌ویژه خشونت ناشی از نژادپرستی نهادینه پلیس در این کشور با وجود انتقادهای گسترده سازمان‌ها و گروه‌های حقوق بشری همچنان ادامه دارد و قربانی می‌گیرد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده از عملکرد پلیس فرانسه در سال ۲۰۲۲، جوانان اقلیت‌های قومی و نژادی با نرخ نامتناسب هدف ایست و بازرسی پلیس قرار گرفتند؛ ضمن اینکه شهروندان دارای ریشه‌های قومی و نژادی در فرانسه سهمی نامتناسب از جریمه‌های پلیس به دلیل نگرش‌های نژادپرستانه در این نهاد را به خود اختصاص دادند (Mizanonline, 1401).

۳- دیدگاه منابع دینی به حقوق اقوام

یکی از اهداف بزرگ انبیای الهی و به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص)، احقاق حق و برپایی عدالت بوده است. اسلام در راستای کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، برای تمامی افراد، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، حقوقی قائل است. آیه‌ای در قرآن نشان می‌دهد که تنها هدف تقسیم انسان‌ها به گروه‌های مختلف، بهتر شدن روابط اجتماعی است و این تقسیمات برای تشخیص و آشنایی با یکدیگر است

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

«ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و باافتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

این حقوق به طور متقابل در ارتباطات افراد با یکدیگر و با حکومت جاری است. اسلام به عنوان یک نظام حقوقی جامع و مترقی که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی افراد در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها است، به امنیت اجتماعی اقلیت‌ها بدون توجه نبوده است. با ملاحظه‌ی متون دینی، احکام و مقررات اسلامی ملاحظه می‌شود که اهمیت امنیت در همه‌ی عرصه‌ها و راه‌حل‌های تحقق بخشیدن به امنیت اجتماعی، بیش از سایر نظام‌های حقوقی در دین اسلام مورد مَدَاقَه قرار گرفته است. به‌غیراز منابع قرآنی منابع دیگری در اسلام وجود دارد از جمله احادیث. برای مثال حضرت امیر علیه‌السلام فرموده‌اند:

اَل تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِّنَ النَّاسِ مُصَلٍِّ وَال مُعَاهِدٍ

هر گز به مال فردی از مردم نمازخوان یا معاهد (غیرمسلمانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کند) دست نزنید.

قرآن مجید نعمت امنیت را آن‌چنان بزرگ می‌شمرد که بر هر چیز دیگر مقدّم می‌دارد. به همین دلیل هنگامی که ابراهیم خلیل وارد سرزمین خشک و سوزان و بی‌آب و علف مکه شد و خانه کعبه را بنا کرد، قرآن می‌گوید اولین چیزی که از خداوند برای ساکنان آینده‌ی آن سرزمین تقاضا کرد، نعمت امنیت بود: رَبَّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار بده و اهل آن را، از ثمرات گوناگون روزی ده. اجازه‌ی اسلام به اقلیت‌ها برای سکونت در کشور اسلامی مستلزم به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اجتماعی آنان است.

احترام به اقلیت‌ها از بعد شخصیت انسانی آنان در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، یعنی احترام به آنان به عنوان یک انسان یا بشر فارغ از کیش، نژاد، جنس و تفاوت‌های دیگر. امام علی (ع) در دستورالعمل حکومتی خود به مالک اشتر می‌نویسد:

أَشْرَعُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَالتَّكْوَنَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ

شعار قلبت را مهربانی به رعیت، دوستی به آنان و لطف به آن‌ها قرار ده و همچون درنده‌ای بر آن‌ها مباش که خوردنشان را غنیمت شمرد. پس به درستی که آنان دو گروه‌اند: یا برادر دینی تواند و یا در خلقت شبیه به تو

درباره برقراری برابری و عدم تبعیض تساوی اقلیت‌ها را می‌توان از نظر قرآن چنین برشمرد: تساوی در ارتباط با خالق؛ تساوی در حکمت خلقت؛ تساوی انسان‌ها در شایستگی دمیده شدن روح الهی در آن‌ها؛ تساوی در کاشته شدن بذر معرفت در درون همه‌ی آن‌ها؛ تساوی در عامل کمال؛ تساوی در کرامت ذاتی با کرامت اولی؛ تساوی در استعداد تحصیل کرامت ارزشی و اکتسابی؛ تساوی در مبدأ خلقت انسان‌ها؛ تساوی در ماده‌ی اصلی خلقت؛ تساوی در ماهیت و مختصات، از جمله

در عقل و وجدان؛ تساوی در برابر حقوق طبیعی و وضعی قوانین لازم (بنگرید به آیات روم آیه ۱۴۲ - ذاریات آیه ۴۵۶ - سجده آیه ۵۱ - بقره آیه ۱۲۶ - بقره آیه ۱۸۵ و شورا آیه ۲۲۱ - اسرا آیه ۸۲۲ - حجرات آیه ۱۲۱ - نسا آیه ۲ - حجر آیه ۱۶ - قیامت آیات ۱ و ۲۴ و ۲۲۲۵ - مائده آیه ۸ و ۱۳۵)

در خصوص آزادی نیز اسلام قابل به آزادی برای اقوام است اما خطوط کلی محدودیت‌ها شامل موارد ذیل است: سرپیچی نکردن از فرمان خدا و رسول؛ پرهیز از آمیختن حق با باطل؛ پرهیز از کتمان حق با دانستن آن؛ پرهیز از بدعت‌گذاری در دین و اظهارنظرهای خلاف واقع؛ پرهیز از اهانت به مقدسات افراد، اقوام و ملت‌ها؛ پرهیز از تمسخر، عیب‌جویی، به کار بردن القاب ناشایست، بدگویی و غیبت، تجسس و پرسش‌های بی‌مورد از امور مربوط به دیگران؛ پرهیز از بردن آبروی افراد و بانگ برداشتن به بدزبانی؛ گفتار نیکو با انسان‌ها؛ رعایت حقوق مردم و عدالت ورزی حتی با دشمنان؛ ممنوعیت خرید و فروش کتب و افکار گمراه‌کننده و انحرافی؛ کتب ضاله و مضله (بنگرید به آیات احزاب آیه ۱۶ - بقره آیه ۴۱ - نحل آیه ۲۲۶ - انعام، آیه ۲۲۸ - حجرات آیات ۲۲ و ۲۲۱ - نساء آیه ۸۲۴۸ - بقره آیه ۱۸۱ - انعام آیه ۲۲۲۵۱ - لقمان آیه ۶). به‌طوری کلی اسلام از نظر جایگاه اقوام و اقلیت‌ها از دیدگاه برابری در امور اجتماعی و حقوقی استقبال می‌کند. بر اساس این دیدگاه، همه مسلمانان برابر اما از نظر فرهنگ، زبان و تاریخ متفاوت هستند و باید با احترام و توجه به این تفاوت‌ها به همدیگر رفتار کنند؛ بنابراین، در اسلام تمایز بر اساس نژاد، پوست، رنگ و زبان نمی‌تواند باشد و تمام افراد باید با رعایت احترام مساوی به هم نزدیک شوند و با یکدیگر همکاری کنند.

تأکید قرآن بر آزادی اندیشه و عمل انسان؛ بعد اجتماعی مستلزم نفی استبداد است. چون استبداد ضد تفکر و انتخاب است. اینکه حضرت امیر به فرزند خود توصیه می‌کند که خدا انسان را آزاد آفریده و نباید انسان، بنده هیچ بنده‌ای باشد. حاکم مستبد برای شهروندان خود حق آزادی اندیشه، عقیده و بیان قائل نیست. تفکرش این است که هرکسی دست به هر کاری می‌زند بر پایه ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾ نازعات/۲۴ من پروردگار برتر شما هستم! باید از او اجازه بگیرد، آنچه را که او برای مردم می‌پسندد، مردم نیز باید گردن نهند (غافر/۲۹؛ اعراف/۱۲۳؛ طه/۷۱؛ شعراء/۴۹).

اسلام برای جلوگیری از استبداد، هم کنترل درونی و هم نظارت بیرونی را به کار گرفته است. از یک‌سو، برای رهبری جامعه شرایط خاصی مقرر نموده (ص/۲۶؛ بقره/۱۲۴) و رابطه رهبر الهی با مردم را بر پایه رأفت، محبت و لطافت اخلاقی قرار داده است (آل عمران/۱۵۹؛ انفال/۶۳) از سوی دیگر، نظارت همگانی شهروندان بر تصمیم‌گیری و اعمال حاکمان از طریق امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران/۱۰۴؛ اعراف/۱۵۷) و نیز مشارکت مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی (آل عمران/۱۵۹؛ شوری/۳۸) را ضامن سلامت اجتماعی رفتار صاحبان قدرت قرار داده است. هیچ‌کس،

نمی‌تواند حکم الهی را تغییر دهد (احزاب/۳۶) از سوی دیگر، در مواردی که نصی وجود ندارد، باید برای تدبیر جامعه با مؤمنین مشورت گردد (آل عمران/۱۵۹؛ شوری/۳۸) مشارکت مردم در صحنه تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، منوط به این است که با احکام الهی مخالفت نگردد (احزاب/۳۶). اسلام عدالت ورزی و حسن معاشرت با هر کسی را تحسین می‌کند (بقره/۸۳؛ ممتحنه/۸؛ حجرات/۹-۱۳؛ مائده/۴۲) و پیروان خود را ملزم می‌نماید که قطع نظر از هر مخاطبی، سخنشان را مؤدبانه، مستدل و مستند بیان کنند (حج/۲۴؛ اسراء/۲۳؛ بقره/۸۳؛ نمل/۲۲؛ نساء/۹؛ احزاب/۷۰)^۱

آنچه که مسلم است رویه برخورد منطقی با اقلیت‌های دینی و گفت‌وگوی بین‌الادیان که از دستور قرآنی نشئت می‌گیرد به‌خوبی در رفتار و سیره پیامبر (ص) و علی (ع) نمایان است. پیمان عمومی با مردم مدینه در واقع نخستین سند سیاسی اسلام به شمار می‌رود که در سال اول هجرت حضرت پیامبر به مدینه با مردم آن شهر منعقد شد. پیامبر اسلام در نخستین روزهای ورود خود به مدینه و تشکیل دولت از آنجا که می‌خواست امنیت شهر را تأمین نماید، به تشکیل یک دولت فدرال اقدام نمود و با تدوین یک قانون اساسی به نام صحیفه یهود را به‌عنوان یک ملت مستقل به رسمیت شناخت و همه حقوق شهروندی را در ۲۴ ماده برای یهودیان در نظر گرفت مسائلی که در عقد امان مطرح است نیز شاهد دیگری از موج روابط عاطفی و اخلاقی اسلام است. "امان" یا "زهار" از جمله نهادهای مهم حقوق اسلامی است. این تأسیس حقوقی در واقع قرارداد و پیمان مأموریت و مصونیت بیگانگان است که قصدشان عبور از کشورهای اسلامی یا اقامت موقت در آنجاست. تحقق امان منوط به درخواست بیگانه و قبول آن از سوی حکومت اسلامی و یا فرد مسلمان است. فرد بیگانه پس از کسب امان "مستأمن" تلقی و میتواند داخل قلمرو اسلامی شده و از حمایت حکومت اسلامی و حقوق و آزادی‌های ویژه استفاده نماید (نادر پور و مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۳).

^۱ برای بررسی بیشتر بنگرید به: ابراهیمی مقدم، غلامرضا (۱۴۰۰)، اصول جامع مدنی اسلامی از نگاه قرآن، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و هفتم، شماره اول (پیاپی ۱۲۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۶-۵.

جمع‌بندی

مقاله حاضر به بررسی حقوق اقوام در اسناد مختلف پرداخت. همان‌طور که مطرح شد بحث اقوام و اقلیت دیرینه‌ای به اندازه حیات بشریت و مدنیت دارد و مسئله حقوق آن‌ها در سیر حوادث و وقایع مختلف تاریخی اهمیت خود را یافته است. در زمانی که مردم اقوام و ملل مختلف در کنار یکدیگر زیست می‌کردند و مناسبات بین آن‌ها چه در سطح اجتماعی یا چه در سطح سیاسی تداعی‌گر آن بود که تفاوت‌های نژادی، قومی، خونی و جغرافیایی موجب می‌شد تا در یک جامعه عده‌ای از برخورداری از مزیت‌ها و فرصت‌ها برخوردار باشند در حالی که عده‌ای دیگر همیشه تحت ظلم و تبعیض قرار داشتند. در صورتی که این مسئله به عرف یا قانون تبدیل می‌شد حقوق اقوام و اقلیت‌ها بیش از هر زمان دیگری پایمال می‌شد. با این حال حوادث مختلفی در توجه به حقوق اقوام و اقلیت و به رسمیت شناختن آن‌ها اهمیت داشته است؛ دلایلی چون تجربیات تلخ تاریخی، جنگ‌های جهانی، مهاجرت، سیاست دولت‌های خودکامه، گسترش ارزش‌های حقوق بشری، ایجاد نهادهای بین‌المللی، توجه به منابع دینی و همچنین قوانین وضع‌شده کشورها در این روند بسیار تاثیرگذار بودند. این پژوهش نشان داد که بسیار قبل‌تر از آنکه بشر به ایجاد دولت-ملت‌ها یا نهادهای بین‌المللی و به تبع حمایت از اقوام و اقلیت‌ها دست یابد در متون دینی حقوق اقوام و اقلیت‌ها از سوی خداوند متعال و اولیای او به رسمیت شناخته شده بود. با این حال بشر با غفلت از اصول دینی و با گذر از تنگناها یا حوادث تاریخی و با پیدایش دولت‌ها و شکل‌گیری نظام‌های سیاسی مدرن، حقوق اقوام رفته‌رفته به عنوان یک مفهوم حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی مدون تأسیس شد. هرچند پیش از آن تاریخ نشان می‌دهد که چگونه بر طبق سنت الهی حقوق اقوام در زمان پیامبران خدا مورد احترام قرار گرفته بود. بهر حال در قرن بیستم، با تأسیس سازمان ملل متحد و اعتراف به حقوق انسان، حقوق اقوام نیز به عنوان یک جنبه از حقوق بشر نیز شناخته شد.

ماحصل مباحث نشان می‌دهد که حقوق اقوام و اقلیت‌ها گامی مهم در تقویت جامعه عادلانه است و دیدگاه‌های دینی و حقوقی به اقوام موجب می‌شود که حفاظت و تضمین حقوق اساسی هر فرد را تضمین می‌کنند. این حقوق شامل حقوق مدنی و سیاسی (مانند آزادی بیان، آزادی دین، حق به عدالت دسترسی و...) و حقوق اجتماعی و فرهنگی (مانند آزادی تحصیل، سطح مناسب سلامت، استفاده از فرصت‌های کار و...) می‌شود. همچنین دیدگاه‌های حقوق بشر، استانداردهای بین‌المللی را در خصوص رفتار کشورها در قبال شهروندان خود تعریف می‌کنند. با پذیرش و رعایت این استانداردها،

کشورها ملزم به پاسخ گوئی نسبت به نقض حقوق اساسی شهروندان خود می شوند. یکی از مزیت های به رسمیت شناختن حقوق اقوام تثبیت نظام های سیاسی است زیرا تعادل قدرت بین دولت و شهروندان را تضمین می کنند. با تأکید بر حقوق اساسی هر فرد، دولت مجبور می شود قدرت خود را در حدود قانون و با رعایت حقوق شهروندان استفاده کند و سوءاستفاده از قدرت و نقض حقوق اساسی را جلوگیری می کنند. پس با رعایت حقوق بشر، صلح و استحکام اجتماعی تحکیم می شود؛ زیرا همبستگی و عدالت در جامعه بهبود چشمگیری پیدا می کند و افراد احساس امنیت و عدالت می کنند در کل باید گفت این حقوق شامل حفظ هویت فرهنگی، زبان، تاریخ، سنت ها و عادات قومی، حق به تعلیم و تربیت در زبان خود، دسترسی به خدمات عمومی، شغل و کار، سطح مناسب سلامت جسمانی و روانی، شرکت در امور سیاسی و فرصت برابر در دست گردن منافع اجتماعی است.

منابع

قرآن کریم

آیت مولایی (۱۳۹۴)، مفهوم شناسی قرارداد اداری با تأکید بر موانع نهادینه شدن آن در ایران، حقوقی دادگستری

بهار ۱۳۹۴ شماره ۸۹

پور حبیب، عسکری؛ دریایی، پریسا (۱۳۹۰)، تنوعات قومی فرصت یا تهدید، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم

رفتاری و مطالعات اجتماعی

شهرامیان، لیلا (۱۳۹۳)، حقوق اقوام بومی از منظر حقوق بین‌الملل، پایان نامه ارشد دانشگاه شیراز، استاد راهنما فرهاد طلایی

گرجی ازندریانی، علی‌اکبر؛ یزدان پناه اردکانی، پیمان (۱۳۸۹)، نشریه حقوق اساسی، دوره ۷، شماره ۱۴، پیاپی

۱۴، صص ۱۹۸-۱۵۷

مرادی، سالار (۱۴۰۰)، انگلستان و فرایند ملت‌سازی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰)، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی

معاصر ایران، سال اول، شماره سوم، صص ۹۴-۱۱۶

نادر پور، بابک؛ مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲)، هویت‌ها، تفاوت‌ها و جهان‌شمولی حقوق بشر (با تأکید بر هویت‌های دینی و

قومی ایران)، نشریه حقوق بشر، جلد ۸، شماره ۱ و ۲، صص ۱۶۲-۱۲۳

پرونده قطور نقض حقوق بشر از سوی فرانسه در ۲۰۲۲، Mizanonline(1401),

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/4596250/-2022>